



«شک‌شکن شوند همه طویان بند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود»

ادبیات فارسی از هنرهای است که در طول تاریخ مخاطبان بسیاری را به خود اختصاص داده است. اندیشمندان و متفکران ایرانی، بی‌شک به کارآیی و تأثیر عمیق شیوه بیان ادبی آگاه بوده‌اند که توانسته‌اند احساسات و اندیشه‌های عمیق خود را با تخیل آمیخته، به شکلی هنرمندانه و زیبا به مخاطبان عرضه کنند. مورخان، فیلسوفان، عارفان، شرح حال‌نویسان، حکیمان، داستان‌پردازان، واعظان، همه و همه منظور خود را در کلامی آهنگین و اثربخش بیان داشته‌اند تا بیشترین تأثیر را بر خوانندگان بگذارند. «تاریخ بیهقی» نوشته ابوالفضل بیهقی، گلستان حکیمانه سعدی، اسرارالتوحید داستانی - عرفانی محمدبن منور، تذکرة الاولیای عطار نیشابوری (شرح احوال عارفان)، «تاریخ جهانگشا»ی جوینی در زمینه تاریخ، آثار عین‌القضاة همدانی، خواجه‌عبدالله انصاری در عرفان و... تنها، اندکی از آثار بی‌شماری است که رنگ ادبی قوی و غنی دارند.

باری، مردم این سرزمین، از دیر باز این فرهنگ ارزشمند و میراث‌های هنری آن را :

کرد کردند و گرامی داشتند تا به سگ اندر همی بگاشتند

و نه تنها این آثار را به عنوان منابع و متون درسی مراکز علمی انتخاب کردند بلکه در محافل عمومی نیز آنها را قرائت کردند و بهره‌ها بردند.

اجرای نقالی، شاهنامه‌خوانی و مثنوی‌خوانی در مجالس عمومی و خصوصی، تفأل به دیوان حافظ، تدریس گلستان و بوستان سعدی، کلیله و دمنه بهرامشاهی، تاریخ بیهقی و... در مکتبخانه‌ها، نشان زیستن ایرانیان با ادبیات فارسی و نفس کشیدن در هوای چنین تفرجگاهی است که احساس و عاطفه را برمی‌انگیزاند؛ تخیل را پرواز می‌دهد و اندیشه و تفکر را می‌پروراند. هم به عالم بالا متصل است و هم رنگی از جهان فرودین با خود دارد. این هنر متعالی زمانی جلوه‌گری می‌کند که با هنرهای چون موسیقی، نقاشی، خوشنویسی، نمایش و... ترکیب می‌شود. موسیقی ایرانی همیشه با شعر و آواز همراه بوده است؛ شاهکارهای نقاشی ایرانی، از شاهکارهای ادب فارسی الهام گرفته است. خوشنویسان کاتب، عمده‌ترین توجه خود را به کتبات آثار ادبی معطوف داشته، گاه، خود نیز در زمره شاعران و نویسندگان بوده‌اند. برخی از منظومه‌های غنایی، عرفانی، خصوصاً منظومه‌های حماسی

فارسی ویژگیهای آثار نمایشی را دارا هستند. از این رو، بیشتر از هر متن و موضوعی، مایه‌های هنر نمایش را فراهم ساخته‌اند. همه این موارد، نشان از اتحاد روحی و پیکری ادبیات فارسی با هنرهای دیگر دارد. تألیف کتابی با عنوان «هنر و ادب فارسی» در راستای تبیین ماهیت و ارزش ادبیات فارسی و چند و چون رابطه آن با هنرهای دیگر صورت می‌گیرد.

روش کار

در فصل اول بر آن بوده‌ایم تا از مفهوم «هنر» سخن بگوییم. از این رو، بدون تکیه بر تعریف یا تعاریف هنر، به بازشناخت ماهیت و کارکرد آن و بیان وجوه مشترک پدیده‌های مختلف هنری پرداخته‌ایم. در فصل دوم، موضوع بحث ما، «ادبیات به عنوان یک هنر» است. به سؤالاتی نظیر «ادبیات چیست؟ کارکرد و ماهیت آن کدام است؟ مصداقهای ادبی کدام‌اند و رابطه ادبیات با روحيات ما چیست؟» در این فصل پاسخ داده می‌شود.

شناخت و مقایسه سه مقوله نثر و شعر و نظم، موضوع فصل سوم است. در این فصل درباره تفاوت تثرهای علمی و تثرهای ادبی؛ تفاوت اساسی شعر و نظم؛ مرز مشترک برخی تثرها با شعر و بالأخره از انواع سه گانه «زبان» سخن می‌گوییم.

فصل چهارم، به بحث درباره شعر و عناصر تشکیل دهنده آن اختصاص دارد. ارائه تعریف نسبتاً جامع از شعر و به دنبال آن، بحث از عناصری که به یک قطعه شعر هویت می‌بخشند، استخوان‌بندی این فصل را تشکیل می‌دهد. فصل عناصر پنجگانه شعر (عاطفه و اندیشه، تخیل، زبان، موسیقی و شکل شعر)، شامل بخشهای فرعی‌تری است که بخش عمده مطالب این کتاب را به خود اختصاص داده است. در این بخشها، به تفصیل درباره هر عنصر شعری به همراه مثالهای متعدد سخن خواهیم گفت و در پایان هر بخش برای فهم بهتر مطالب به ارائه تمرین یا تمرینهایی می‌پردازیم.

در فصل پنجم، انواع ادبی فارسی (نوع حماسی، غنایی، تعلیمی و نمایشی) مورد بحث قرار می‌گیرد. در این فصل، دانش‌آموزان می‌توانند با نمونه‌هایی از شعر و نثر فارسی آشنا شوند.

فصلهای ششم تا نهم را به بحث درباره رابطه ادبیات با هنرهای چون: نقاشی، موسیقی، نمایش و خوشنویسی اختصاص داده‌ایم. در هر یک از این چهار فصل، ابتدا دلایل رابطه این هنرها را نشان می‌دهیم سپس به تشریح چگونگی این ارتباطها همراه با ذکر شواهد و مثالهای لازم می‌پردازیم.

نکاتی درباره تدریس این اثر

۱. بیشتر مطالب کتاب حاضر، باید به صورت سخنرانی و مباحثه ارائه شود. از این رو پیش از دست زدن به چنین امری، برای روشن کردن اذهان و جلب مشارکت دانش‌آموزان، لازم است، سؤالاتی حول محور بحث، مطرح و پاسخهای مناسبی برای آنها جسته شود. طرح چنین سؤالاتی قالب معینی ندارد و هر مدرس با توجه به روش تدریس و بنا به تشخیص خود، می‌تواند به این امر اقدام کند.

۲. ارائه مصادیق و مثالهای بیشتر در هر مقوله، بر عمق و سرعت یادگیری دانش‌آموزان می‌افزاید. از این‌رو، شایسته است مدرسان با آمادگی قبلی و در صورت نیاز، فراهم کردن نمونه‌های شعر و نثر، در کلاس درس حضور یابند.

۳. حل تمرینهایی که در برخی فصلها گنجانده شده در حوزه وظایف دانش‌آموزان است، مشروط بر اینکه از راهنمایی مدرسان محترم برخوردار باشند.

۴. به تناسب بحث هر فصل، مصداقهایی از شعر و نثر ارائه شده است. مدرسان محترم آگاهی دارند که پرداختن به تمامی جوانب معنایی، زیبایی‌شناسی و ساختاری یک قطعه شعر یا نثر، بحث را از حوزه خود خارج می‌کند و مجال کافی برای مباحث اصلی، باقی نخواهد گذاشت. از این‌رو ضروری است به این مصداقها، تنها از دریچه مورد نظر پرداخته و از ورود به بحثهای غیرمرتبط خودداری شود.

۵. به دلیل محدودیت صفحات کتاب، نمونه‌هایی که در فصلهای پایانی کتاب درباره تلفیق هنرها آورده شده معدود است؛ مدرسان محترم می‌توانند در صورت نیاز، نمونه‌های دیگری را در کلاس ارائه کنند.

۶. چنانکه در دیباچه اشاره شد، فصل پنجم به انواع ادبی فارسی و نمونه‌های عالی شعر و نثر فارسی اختصاص دارد. این نمونه‌ها برای تجزیه و تحلیل برحسب مباحث مربوط، آورده شده است. از این‌رو می‌توان به توضیح و تفسیر معنایی و ساختاری و زیبایی‌شناسی بعضی آثار توجه کرد و در نهایت تحلیلی کلی از آن ارائه نمود.

۷. برای آنکه دانش‌آموزان به هر دو هدف «لذت و فایده» هنرها عموماً و ادبیات خصوصاً، دست یابند باید اجازه دهیم آنها نمونه‌ها را بخوانند و به بحث درباره چند و چون آثار و ارائه نظرگاههای خویش بپردازند.

در پایان از تمامی کسانی که با ارائه پیشنهادها کارشناسانه و طرح دیدگاههای خود، در راستای رفع نواقص و تکمیل کتاب، مؤلف را یاری کرده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم و پیشاپیش به نکته‌سنجانی که عیبها و کاستیهای ناگزیر کتاب را به منظور اصلاح گوشزد خواهند کرد، دست مرزاد می‌گویم.

مؤلف

هدف کلی

آشنایی با هنر ادب فارسی، نحوه و میزان تأثیرگذاری متقابل رشته‌های هنری